

" اول ماه مه را گرامی می داریم "

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۶۵

جمعه ۵ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۲۴ آوریل ۲۰۲۰

جمهوری اسلامی و دو راهی کاذب

"نان یا جان"

حمید تقوایی



با تشدید و ادامه بحران کرونا و خانه نشینی مردم دولتها همه جا با این مساله روبرو شده اند که بالاخره کی و در چه شرایطی باید دوباره اقتصاد را بره انداخت. ظاهرا بین ادامه قرنطینه و تامین سلامت و محافظت از جان مردم از یکسو و از سر گرفتن تولید و تامین معیشت مردم از سوی دیگر باید یکی را انتخاب کرد. اما این دو راهی واقعی نیست. با ثروت و امکانات عظیمی که در دنیا هست میتوان هم معیشت همگانی را تامین کرد و هم جان و سلامت مردم را نجات داد. مساله آنست که این ثروت عظیم در دست یک درصدیها، یعنی اقلیت مالی میلیاردر صاحب سرمایه، و دولتهائی انباشته شده است که نه سلامت و بهداشت همگانی، و نه تامین معیشت همگانی، در لیست وظایف و

اولویتهایشان قرار ندارد. امر آنها براه اندازی هر چه سریعتر کارکرد و سوداندوزی سرمایه ها است. منظورشان از اقتصاد جلوگیری از راکد ماندن و و ضرردادن و ورشکستگی سرمایه هاست و نه تامین معیشت مردم. اگر تامین بهداشت و رفاه مردم امر طبقه حاکم میبود اصولا یک بیماری قابل پیش بینی و پیشگیری به چنین بحرانی که مجبورشان کند دوراهی خود ساخته "جان یا نان" را در مقابل مردم بگذارند، منجر نمیشد. پاسخ ما کمونیستها و نود و نه درصدیهای دنیا به این اوضاع روشن است: حال که سوداندوزی شما سرمایه داران و دولتهایتان کار را به اینجا کشانده است، اولویتتان باید تامین سلامت و بهداشت همه مردم باشد و نه سوداندوزی و ادامه در صفحه ۲



پیش بسوی روز جهانی کارگر

زیر بار ستم نمیکنیم زندگی

مصاحبه بر سر دستمزد

میزگردی با شرکت شهلا دانشفر و حسن صالحی

صفحه ۳

اول مه در دوران کرونا!

ناصر اصغری

صفحه ۴

بیکارسازی پرستاران در بحبوحه کرونا یک جنایت است

شهلا دانشفر

صفحه ۵

در حاشیه عرضه سهام شستا در بورس!

محمد شکوهی

صفحه ۶

داستان گم شدن چهار میلیارد و هشتصد میلیون دلار

کاظم نیکخواه

صفحه ۷

اطلاعیه کمیته علیه اعدام

به قوانین قرون وسطایی جمهوری اسلامی یک نه محکم بگوئیم!

صفحه ۸

از مدیای اجتماعی صفحه ۹ و ۱۰

اهدای تابلوی نقاشی به ستاد مردمی مبارزه با کرونا!

اطلاعیه ها صفحه ۱۳ و ۱۴

اعتصاب سه هزار کارگر شرکت زغال سنگ کرمان و اعتراضات دیگر

سندج: اعدام یک زندانی و نجات یکی دیگر از اعدام

اخباری از اعتراضات کارگری در دل بحران کرونا

اعتراضات سه هزار کارگر زغال سنگ، پرستاران، رانندگان هفت تپه

چند خبر اعتراضی کارگری در دل بحران کرونا

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حمید تقوایی جمهوری اسلامی و دو راهی کاذب "نان یا جان"

بهره کشی. از نظر توده مردم دنیا، از نظر تولید کنندگان ثروتی که در حسابهای بانکی شما و در بودجه های نظامی و امنیتی و پلیسی دولتهای حافظ منافع شما انباشته شده، تناقضی بین تامین نان و جان مردم وجود ندارد. تناقضی اگر هست بین تامین جان و نان مردم از یکسو و حفظ منافع صاحبان سرمایه از سوی دیگر است.

در جمهوری اسلامی مدتهاست این تناقض در یک جنگ و گریز مداوم بین مردم و حکومت بر سر بقا خود را نشان میدهد. بقای حکومتی فاسد و چپاولگر و جانی در قدرت، در مقابل بقای جامعه ای که خواهان یک زندگی انسانی و آزاد است. این تقابل به قدمت عمر جمهوری اسلامی است، بحران کرونا تنها این جنگ را صریح تر و عریان تر کرده است. جانبان حاکم از همان آغاز روی کار آمدنشان نه به فکر تامین نان مردم بوده اند و نه جان آدمها برایشان کمترین ارزشی داشته است. دستمزدها را به چندین مرتبه زیر خط فقر تنزل داده اند، توده مردم را به فلاکت کشانده اند، و هر نوع اعتراض به فقر و بیحقوقی را با شلاق و زندان و اعدام پاسخ داده اند. رکورد دار اعدام و کشتار و دزدی و فساد در دنیا هستند؛ ده ها هزار نفر را در سالهای دهه شصت قتل عام کرده اند؛ قتلهای زنجیره ای برای انداخته اند؛ کمترین اعتراض را با زندان و شکنجه و شلاق و اعدام پاسخ داده اند و تنها در عرض یک هفته در خیزش آبان سال گذشته بیش از هزار و پانصد نفر را به گلوله بسته اند؛ عامدانه به هواپیمای مسافری شلیک کرده اند و حتی از عزاداری خانواده قربانیان این جنایت جلوگیری کرده اند. چهار دهه است هم جان مردم را گرفته اند هم نان آنها را و حالا از دو راهی نان و جان دم

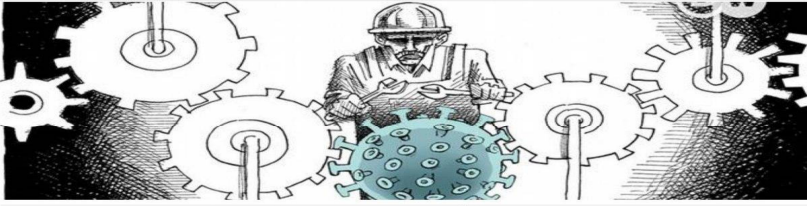
میزند!

تا آنجا که به بحران کرونا مربوط میشود جمهوری اسلامی برخلاف همه دولتهای دیگر خود در اشاعه ویروس کرونا نقش فعالی ایفا کرده و میکند، از وارد کردن ویروس این بیماری مهلک از چین تا کتمان حقیقت و جلوگیری از انتشار اخبار و آمار درست از مبتلایان و قربانیان کرونا، تا عدم رعایت ابتدائی ترین استانداردها و توصیه های پزشکی در مقابله با این بیماری، تا سرازیر کردن کمکها و تجهیزات پزشکی به بازار سیاه در ایران و در منطقه، تا تجویز دعای صحیفه سجادیه و لیسیدن حرم و ضریح و نوشیدن ادرار شتر و غیره، همه جزئی از پرونده سنگین حکومت در همدستی و همکاری فعال با ویروس کرونا است. برای دولتهای متعارف سرمایه داری نظیر دولتهای آمریکا و اروپا و حتی دولتهای منطقه ادامه فرنیینه و یا براه اندازی اقتصاد بالاخره دوراهی است که باید با احتساب سود و زیان سیاسی-اقتصادی طبقه حاکمه تصمیمی در مورد آن بگیرند. در پی آنند که بحران کرونا تخفیف پیدا کند و لاقال منحنی ابتلا به کرونا افقی بشود تا بتوانند اقتصادشان را براه بیاورند.

اما برای حکومتی که بیمارستانها را مجبور کرده است نام قربانیان کرونا را در لیست کشته شدگان در اثر آنفلونزا و ذات الریه و بیماریهای ریوی ثبت کنند و علیرغم رشد گسترده تعداد مبتلایان و قربانیان کرونا منحنی نزولی برای خودش سر هم کرده است، و برای اقتصادی که قبل از کرونا هم چرخهایش از حرکت ایستاده بود، گفتگو در مورد کاستن از تعداد مبتلایان کرونا و براه اندازی اقتصاد بیش از حد پوچ و بی معنا است. امر و دغدغه جانبان حاکم بر ایران اساساً چیزی دیگر است. امر آنها

دولت موظف است معیشت همه شهروندان را تامین کند

۱۳/۱



کار در مراکز تولیدی (بجز بخش هایی که در شرایط کنونی حیاتی است) باید تماماً متوقف شود و همه کارکنان از مرخصی با حقوق برخوردار شوند. دولت موظف است با تخصیص بودجه لازم حقوق کارگران و کارکنانی که مجبور به قرنطینه هستند را بدون هیچ اما و اگری تامین کند.

حفظ قدرت و ثروت خود به قیمت به خون کشیدن مردمی است که از این وضعیت به ستوه آمده و عزم جزم کرده اند آنان را بزیر بکشند.

مساله و نگرانی حکومتی که در طی حیات منحوسش بیش از قربانیان کرونا در همه جهان مردم ایران را کشتار کرده است، و علیرغم این با جامعه ای روبروست که در هر فرصتی با شعار جمهوری اسلامی نابود باید گردد به خیابان میریزد، بقا و حفظ خود در قدرت است و نه تامین جان و یا نان مردم. نگرانی ودغدغه جانبان حاکم خیزش مجدد توده مردم است. وقتی روحانی میگوید یک میلیون کشته شوند بهتر است تا با شورش گرسنگان مواجه شویم دارد بر همین حقیقت تاکید میکند. نگرانی آنها شورش بمراتب عظیم تر و تعرضی تر از خیزش آبان و دیماه سال گذشته است.

بحران کرونا در روند مبارزات رو به گسترش مردم وقفه ای ایجاد کرد و در عین حال باعث رسوائی بیشتر حکومت و گسترش و تشدید خشم و نفرت عمومی مردم علیه جانبان حاکم شد. از سوی دیگر اقتصاد ورشکسته و روبه فروپاشی جمهوری اسلامی بیش از پیش در هم شکست بی آنکه اندک بهبودی و گشایشی در چشم انداز باشد. اما جامعه ایران قبل از کرونا نیز حالت متعارفی نداشت، نه چرخهای اقتصاد میچرخید، نه مردم تامین جانی داشتند و نه معیشتشان تامین بود. این وضعیت به جنبش سرنگونی طلبانه مستمر و گسترده ای

شکل داده است که آخرین بروز آن خیزش اعتراضی توده مردم در بیش از صد و پنجاه شهر در آبان و دیماه گذشته بود. بحران کرونا در بطن این کشاکش بین مردم و حکومت بر سر بقا رخ داد و پاندمی کرونا گرچه جبهه و شکل نبرد را تغییر داد ولی از دامنه جنگ نکاست. برعکس آنرا گسترده تر کرد. امروز پزشکان و پرستاران و کارگران بیمارستانها و خدمات درمانی، ستادها و کمیته ها و نهادهای مردمی مقابله با کرونا در شهرهای مختلف وسیعاً فعال شده اند، و چهره ها و فعالین جنبش کارگری در زندانها و خارج زندانها علیه حکومت و سیاستهای جنایتکارانه اش قد علم کرده اند. اینها سنگ بناها و طلایه داران شورش هستند که روحانی در موردش هشدار میدهد.

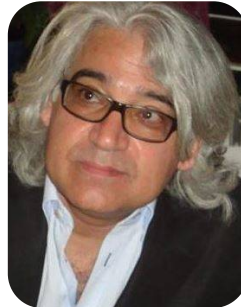
تا آنجا که به مقابله مردم با بحران جاری مربوط میشود باید اولاً به راه اندازی مراکز کار و تجمع تن نداد. حتی برخی از خود مقامات حکومتی از ساختگی بودن آمار رسمی و از ده برابر بودن تعداد واقعی مبتلایان و قربانیان این بیماری مهلک صحبت میکنند. نقطه اوج کشتار کرونا در ایران هنوز در پیش است. نباید اجازه داد حکومت با براه اندازی مراکز کار و تجمع مردم بر ابعاد این جنایت بیفزاید. باید دست به اعتصاب زد و از رفتن به کارخانه ها و مراکز کار و تولید سر باز زد.

در رابطه با مساله معاش باید حکومت را مجبور کرد که تامین معیشت مردم را به عهده بگیرد. هزاران میلیارد تومان صرف

دستگاه سرکوب و و سیاه قدس و دارو دسته های دُمکش جمهوری اسلامی در منطقه، و نهدها و بنیادهای عریض و طویل اشاعه خرافات مذهبی در جامعه میشود و یا در حسابهای شخصی آیت الله های میلیاردی و دار و دسته های مافیائی حاکم گم و گور میشود. همین چند روز قبل معلوم شد که یک قلم چهار میلیارد و هشتصد میلیون دلار در جیبهای گشاد دزدان حاکم گم شده است. اینها تنها گوشه هایی از هزینه های گزاف سرکوب و تحمیق و ارقام نجومی دزدی و غارت مافیای جمهوری اسلامی است. با کسری از این هزینه ها و دزدیها میتوان معیشت همه مردم را تامین کرد و آنان را تا هر زمان لازم بود در قرنطینه نگاه داشت. آیت الله ها مختارند با دعای صحیفه سجادیه و سرکشیدن ادرار شتر و لیس زدن ضریح از خودشان مواظبت کنند. اما مردم راه دیگری دارند. راه حل ما مردم در گام اول مجبور کردن حکومت به تامین بهداشت و سلامت جامعه بر اساس آخرین استانداردهای پزشکی و تامین معیشت همگانی است و بر متن و در ادامه این حرکت پیشبرد و گسترش مبارزه ای متحد و همه جانبه برای سرنگون کردن حکومت غارت و جنایت جمهوری اسلامی. دوره پسا کرونا برای مردم دنیا دوره مقابله با حکومتها و نظامهای سرمایه داری در همه کشورها است. جامعه ایران با تشدید و گسترش مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه داران به استقبال این دوران تازه میرود.*

کارگران، تعیین میزان حداقل دستمزد و کشاکشهای درون حکومت

میزگردی با شرکت شهلا دانشفر و حسن صالحی



سر یک دستمزد پایه مکفی و انسانی در دلانهای حکومتی جریان ندارد. در خیابان و مراکز کار فوران دارد. آنچه که در داخل حکومت می گذرد باعث می شود که کارگران بتوانند با طلب کاری بیشتری روی خواست افزایش دستمزد بگویند. بنیاد جمهوری اسلامی از همه سو زیر فشار قرار دارد و این مانوری بود که فشار و اعتراض کارگری را مهار کنند. کارگرانی که حداقل دستمزد پایه ای در سطح ۹ میلیون تومان را طلب کرده اند. میزانی که کارگران اعلام کرده اند را با افزایش دستمزد کنونی و یا آنچه که شوراهای اسلامی می خواهند مقایسه کنید می بینید زمین تا آسمان فرق دارند. "حمیدرضا سیفی" عضو کارفرمایی شورای عالی کار چندی پیش در مصاحبه ای گفته بود که "گروه کارگری معتقد بود که حداقل مزد ۲۶ درصد افزایش یابد اما دولت بر نهایت ۲۲ درصد اصرار داشت." یعنی می خواهم بگویم حتی در مذاکرات سه جانبه نیز صحبت بر سر افزایش دستمزد با نرخ ۴۱ درصد تورم نبوده است. بعدش این را گفتند. به خاطر اینکه خود را از تک و تا نیندازند حالا رفته اند و شکایت نامه ای را هم در دیوان عدالت ثبت کرده اند. ولی مطمئن باشید چاقو دسته خودش را نمی برد. به اعتراض نمایندگان مجلس نیز اشاره ای کردید. می دانند که پایین نگه داشتن چند بار زیر خط فقر حداقل دستمزد تبعات اجتماعی دارد. ژستی گرفتند

ادامه در صفحه ۱۱

هم ریختگی صفوف حکومتیان را به نمایش گذاشت.

انترناسیونال: هنوز جوهر بخشنامه میزان حداقل دستمزد توسط شورای عالی کار خشک نشده است که بحث بر سر لغو این تصمیم است. مجلس اسلامی بر حداقل دستمزد دو میلیون و هشتصد تاکید کرده. جریاناتی تحت عنوان اینکه تصمیم شورای عالی کار ناقض قانون کار بوده و بند ۴۱ آن را لحاظ نکرده است، طوماری با چند هزار امضا راه انداخته اند و خواستار تصمیم گیری مجدد شده اند. از سوی دیگر این موضوع با واکنش اعتراضی بسیاری در میان کارگران روبرو شده است. در رابطه با این موضوع مجلس اسلامی نیز وارد قضیه شد، ماجرا چیست و در کل واکنش ها چه بوده است؟

حسن صالحی: من فکر نمی کنم تا آنجا که به تمایل این جماعت بر می گردد هیچ تصمیمی لغو شود. همانطور که می دانید وزیر کار بخشنامه تعیین حداقل مزد کارگران در سال ۱۳۹۹ را به تمام کارفرمایان و کارگاههای مشمول قانون کار ابلاغ کرده است. اگر هم تغییری صورت بگیرد بر سر حداقل مزد نیست بلکه احتمالا افزایش چندرغازی به حق مسکن کارگران است. من فکر می کنم بر سر این مسئله هم دولت و کارفرمایان و کانون عالی شوراهای اسلامی و انجمن های صنفی در شورای عالی کار به توافق خواهند رسید. کلا این همه قیل و قال به اعتقاد من به یک معنا بر سر هیچ است. بازتاب واقعیتی است ولی خودش در خود ارزش چندانی ندارد. جبهه های اصلی نبرد بر

انداختن بار اقتصاد به بن بست رسیده اش بر گرده مردم استفاده کند.

البته قبلا هم در برنامه بودجه سال ۹۹ اخطارشان را داده و اعلام کرده بودند که دستمزدها حداکثر پانزده درصد افزایش خواهد داشت. اما در پرتو بحران کرونا و رها کردن مردم در کام این بیماری مرگبار این حکومت دست به کار وارد کردن تعرض وسیعی به زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه شد.

به نظر من در متن چنین اوضاع و احوالی است که میشود تصویر روشنی از آنچه که امسال در شورای عالی کار گذشت داشته باشیم. و در متن چنین کشاکشی بود که سطح حداقل دستمزدها برای سال ۹۹ آنهم رسماً با امضای نمایندگان کارفرمایان و دولت و در غیاب امضای آن جماعت مرتجعی که به اسم کارگر سرهم بندی کرده اند، به میزان یک میلیون و هشتصد هزار تومان تعیین شد. این تصمیم بعد از کشاکش های بسیار در شورای عالی کار اتخاذ گردید. امسال بطور بیسابقه ای نمایندگان به اصطلاح کارگری با ژست اینکه میزان تعیین شده دستمزد با بند ۴۱ قانون کار و نرخ ۴۱ درصدی تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی تطابق ندارد، جلسه مذاکره را ترک کردند تا با این کار جایی برای بازی های بعدی و ادامه نقش کثیف خود جهت مهار کردن اعتراضات کارگری در چهارچوب قانون کارشان باز کنند. این اتفاق همانطور که

اشاره کردم بیش از پیش در

را بر روال کار کمیته مزد و مباحث آن بر سر تعیین میزان حداقل دستمزدها هم گذاشت.

میدانید که کمیته مزد شورای عالی کار از نیمه های سال ۹۸ بود که دست به کار شد و همانند هر سال رایزنی هایشان بر سر تعیین میزان حداقل دستمزدها را آغاز کردند. همزمانی مباحثات کمیته مزد با خیزش آبانماه که با اعتراضات مردمی علیه گرانی ها و پایین آمدن قدرت خرید جامعه جرقه اش زده شده بود، و بدنبال آن خیزش دیماه و جلو آمدن جنبش دادخواهی مردم علیه سرکوبگرهای آبانماه و کشتار مسافرین هواپیمای اکرایی توسط حکومت، طبعاً تاثیرات خود را مستقیماً بر روی کمیته مزد گذاشته و بطور واقعی فشاری بر روی کار آن بود. از جمله اولین تاثیر این اوضاع و احوال بهم ریختگی صفوف حکومتیان در زیر فشار اعتراضات جامعه بود. بعلاوه تاثیرات و فشار این اوضاع و احوال در روال کار و مباحثات کمیته مزد، در به نتیجه نرسیدن بسیاری از مباحثات آن و وقفه ایجاد شدن آنها در تشکیل جلسات این کمیته به روشنی قابل مشاهده بود.

شیوع بیماری کرونا اوضاع را حادتر کرد. این موضوع در عین حال بهانه ای دیگر برای وقفه انداختن در تشکیل جلسات تصمیم گیری کمیته مزد شد. رژیم اسلامی تلاش کرد از این مساله به عنوان برگه ای هم برای به حاشیه بردن فضای اعتراضی جامعه و ادامه سرکوبگری هایش و هم برای

انترناسیونال: امسال چگونگی تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۹ در مقایسه با سالهای قبل تفاوت هایی داشت. یک تفاوت این بود که در جلسات شورای عالی کار، نمایندگان شوراهای اسلامی که به اسم نمایندگان کارگران آنها را جار می زنند، میز مذاکرات را ترک کردند و رسماً نمایندگان کارفرمایان و دولت در مورد میزان یک میلیون و ۸۳۵ هزار تومان برای سال ۱۳۹۹ تصمیم گرفتند. چرا این اتفاق افتاد؟

شهلا دانشفر: این اتفاق قبل از هر چیز نشانه در هم ریختگی صفوف حکومتیان است. امسال بیش از هر وقت بلبشو و به هم ریختگی حکومت بر سر تعیین میزان حداقل دستمزدها را مشاهده میکنیم. از جمله شورای عالی کار عاجز از این ماند که میزان حداقل دستمزد را در وقت مقرر خود تعیین کند و انجام آن بعد از توی سر هم زدن بسیار به فروردین ماه موکول شد. بعد هم همانطور که اشاره کردید شاهد ترک میز مذاکره از سوی نمایندگان کانون عالی شوراهای اسلامی و کانون عالی انجمن های صنفی که تحت عنوان نمایندگان کارگران در شورای عالی کار عضویت دارند، بودیم. از نظر من آنچه که چگونگی تعیین میزان حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۹ را نسبت به سالهای گذشته متفاوت میکرد و اتفاقاتی را که اشاره کردم در پی داشت، اوضاع سیاسی پر تلاطم جامعه و بحران همه جانبه سیاسی و اقتصادی حکومت اسلامی است. این اوضاع تاثیرات مستقیم خود

www.wpiran.org

۱۵/۲۱

زند باد اول مه!

اول مه در دوران کرونا!

ناصر اصغری



اول مه برای طبقه کارگر، بخصوص در مبارزه‌اش، معنای ویژه‌ای دارد. فراخوانی است به اتحاد برای پایان دادن به نابرابری‌هایی که ارکان جامعه طبقاتی سرمایه‌داری‌اند. اول مه فعالین جنبش‌های اعتراضی را دور هم جمع می‌کند و به آنها یک بار دیگر یادآوری می‌کند که دنیا سال دیگری را در فقر و بیکاری، ستم و استثمار و نابرابری بسر برد و فعالین و سازماندهندگان دنیایی بهتر را به تغییر ریشه‌ای وضع موجود فرامی‌خواند. امسال در وضعیت ویژه‌ای، دوره‌ای که مقابله با یک ویروس کشنده و زنده ماندن صرف در دستور همه است، به استقبال اول مه می‌رویم. امسال هم تضادهای طبقاتی و تناقضاتی را که جامعه سرمایه‌داری با خود حمل می‌کند و قادر به حل آنها نیست، طبقه کارگر و فعالین و سازماندهندگان تغییر را فرامی‌خواند. برای کارگران و فعالین کارگری در ایران، اول مه را باید در دو سطح نگاه کرد؛ سطح بین المللی و سطح داخلی.

اول مه در سطح

بین المللی

در سطح جهانی، در دوره و زمانه‌ای به استقبال اول مه می‌رویم که چشم همه به این واقعیت هولناک باز شده است

که جهان نمی‌تواند با رهبری و مناسبات جامعه طبقاتی از تلاطمات پیش رو بدون خسارات و تلفات جانی و اقتصادی زیادی عبور کند. چشم جامعه به این واقعیت باز شد که این مناسبات خود همچون زنجیری بر پای انسان است که نمی‌گذارد برای حتی نفس کشیدن راحت هم سیستم اجتماعی - اقتصادی موجود را بی‌تقصیر دانست. تناقض آشکار جامعه سرمایه‌داری با رفاه و زندگی ساده آدم‌ها عیان‌تر شد و این فراخوانی برای تغییری پایه‌ای را در دستور فعالیتهای اول مه در سطح بین‌المللی می‌گذارد. اول مه این را در دستور گذاشته است که باید ابتدائیات زندگی، همچون بهداشت را از دست بازار و ویروس کرونا این نکته را نشان داد و مردم در سطوح مختلفی دارند به این مسئله می‌پردازند که آیا می‌شود بهداشت و سلامت جامعه را در دست سیستمی رها کرد که نقطه عظیمش سود است؟ و این یک فراخوان مہی در دستور فعالین و سازماندهندگان گذاشت.

اول مه در ایران

طبقه کارگر باید از یک حلقه ضعیف به جامعه طبقاتی حمله کند و جمهوری اسلامی شاید ضعیفترین حلقه باشد که حتی در میان دیگر دولتها هم بعنوان یک وصله ناجور همچنان به موجودیت نامیمونش ادامه می‌دهد. جامعه ایران البته در چند فرصت مثل خرداد ۸۸، دی ۹۶ و آبان ۹۸ به این حلقه و این موجودیت نامیمون بطور میلیونی حمله کرده و آن را تا دو قدمی گور برد. جمهوری اسلامی این را بهتر از هر نظری می‌داند و به همین دلیل هم تقلاهای جنایتکارانه

شرایطی که جمهوری اسلامی به این مردم تحمیل کرده است، نشان داد. از سازمان دادن کمکها به بازماندگان کرونا، از اتحاد با کادر درمانی بیمارستانها، از تشکیل کمیته ها و شوراهای محلات برای مقابله با پیامدهای کرونا و غیره، همه این آشتی ناپذیری را نشان می‌دهد. و اینها گام‌هایی اولیه برای دست در جنبش‌های اعتراضی در اول مه است.

اول مه فعالین جنبش‌های اعتراضی و جنبش‌های آزادیخواهانه مثل جنبش کارگری، زنان، بازنشستگان، معلمان و غیره را دور هم جمع خواهد کرد و دنبال راه حلی برای عبور از این وضعیت و این رژیم خواهد کرد. این تنها راه باقیمانده برای مقابله با این وضعیت است، که هر روز و هر فرصتی که از دست برود و بسوزد بر عمق این وضعیت و بر تباهی بیشتر جامعه افزوده می‌شود. کرونا اگر چیزی بر شرایط ایران قبل از این ویروس اضافه کرده باشد، تنفر بیشتر جامعه از این رژیم است و این را در اول مه امسال نشان خواهد داد.*

بیکارسازی پرستاران در بحبوحه کرونا یک جنایت است شهلا دانشفر



بیکار سازی پرستاران در بیمارستانهای دولتی و خصوصی و جنجالی تر از همه در بیمارستان آتیه تهران موجهی از اعتراض به راه انداخته است. در بیمارستان خصوصی آتیه از ۱۲۰۰ پرستار ۶۰۰ نفر بیکار شده اند. بیکارسازی پرستاران در شرایطی صورت میگیرد که کمبود پرستار یک معضل سابقه دار در بیمارستانهاست و امروز در دل بحران کرونا این کمبود ابعاد فاجعه باری خود گرفته است. کاهش میزان پرستارها بدون شک تاثیر خود را بر استاندارد درمانی در سطح سراسری میگذارد و انجام این کار در دوره بحران کرونا یک جنایت آشکار و بازی کردن با جان شهروندان و بیماران است. جالب اینجاست که زیر فشار پرستاران و انعکاس اجتماعی این موضوع خلیل علیزاده رییس این بیمارستان در برابر مردم ذبونانه ناگزیر به پاسخگویی شده و با اشک تمساح ریختن سعی میکند که این اقدام جنایتکارانه خود را توجیه کند. او در سخنانش از کسری بودجه و اینکه گویا "ناگزیرند" دست به این اقدام بزنند سخن میگوید. او با وقاحت تمام چنین میگوید: "دوستان ما دو راه داشتیم.

بیکار سازی پرستاران در بیمارستانهای دولتی و خصوصی (بیکارسازی) یعنی اینکه هر ماه به اندازه به همه حقوق بدهیم. اما چون نمیتوانستیم به همه ۱۲۰۰ نفر حقوق و مزایای کامل بدهیم، پس ۵۰ درصد نیروها را فعلا موقتا و یا دائما با هاشون خداحافظی کنیم. لغو قرار داد کنیم و ۵۰ درصد بقیه را نگاهداریم" و در آخر با اشک تمساح ریختن نیمی از پرستاران را بیکار کرده و راهی خانه میکنند.

این نوع سخنان و توجیهاست در آستین همه سرمایه داران مفتخور و جنایتکار وجود دارد. با همین توجیحات و همین سیاست جانیان اسلامی و در پناه آن سرمایه داران مفتخور از طریق اخراج های وسیع، تعطیل مراکز کار، لغو قراردادهای موقت کار و بالا کشیدن دستمزدهای ناچیز کارگران هر روزه فشار معیشتی سنگینی را به صدها هزار کارگر و خانواده های کارگری وارد میکنند. بیمارستانهای خصوصی، از جمله بیمارستان آتیه نیز که امروز خود بنگاههای اقتصادی پر قدرتی به شمار می آیند بجای ایجاد سلامتی و بهداشت برای مردم، در واقع یک کانون و بساط چپاول و دزدی و جنایتند.



بیمارستان آتیه یکی از بیمارستان های خصوصی ثروتمند کشور و همواره جز گران ترین آنها بوده است. خلیل زاد رئیس این بیمارستان در حالی از بی پولی سخن میگوید که هم اکنون در حال ساخت بیمارستان آتیه ۲ یعنی یک بیمارستان جدید با هزینه های گزاف است. او همچنین در بیزنس های مختلف و آپارتمان سازی گسترده فعالیت دارد. به گفته پرستاران این سرمایه دار حریص و مفتخور هیچ ارزشی برای جان آنها و بیماران قائل نیست و در این شرایط حتی از تهیه ماسک و دستکش و مواد ضد عفونی کننده لازم و دیگر وسایل پیشگیری از سرایت بیشتر این بیماری خودداری کرده و بخاطر سودجویی هایش عملا با جان مردم و پرستاران و پزشکان بازی میکند.

نکنه اعتراضی دیگر

پاسخ به میدان آمدن پرستاران در سطح سراسری و با بیان خواستههایشان است. پاسخ حمایت وسیع مردم از این بخش از کارکنان که در بخش خدمات درمانی شاغلند می باشد. وضعیت بیمارستانها، وضعیت شغل و معیشت پرستاران و کارکنان خدمات درمانی موضوعی است اجتماعی و به همه مردم مربوط است. باید در مقابل این بساط چپاول و جنایت قاطعانه ایستاد. درمان رایگان، بیمارستان ها و مراکز درمانی با استاندار بالا و قابل قبول، مجهز کردن تمامی مراکز درمان به امکانات پیشیگرانه لازم در مقابله با کرونا خواست های فوری همین امروز مردم باید باشد. روز جهانی کارگر امسال باید همچنین روزی برای بزرگداشت از کارگران بخش خدمات درمانی و پرستاران و جلو بردن این خواستها باشد.*

پرستاران اینست که او تا کنون با هر روشی که توانسته از حقوق کارکنان بیمارستان به بهانه های مختلف کم کرده است و آنها هر ماه شاهد کسورات مختلفی از سطح دستمزدشان بوده اند. اکنون نیز در جریان کرونا با دادن وعده پاداش و در کنارش ارباب و تهدید به اخراج، پرستاران و پزشکان و کارکنان را به بیمارستان کشانده و بعد هم زیر همه وعده هایش زده است. و حالا حتی از پرداخت همان حق و حقوق عادی کارکنان سر باز میزند. بدین ترتیب خلیل علیزاده همچون همه کارفرمایان دزد و مفتخور دیگر در ایران میخواهد از بحران کرونا استفاده کند و بار خود را ببندد و پول بیشتری به جیب زند.

پاسخ جانورانی چون خلیل علیزاده و سرمایه داران مفتخور و جنایتکار گسترش اعتراضات پرستاران است.

**دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون خطر سوسیالیسم،
به چه منجلا بی بدل میشود! «منصور حکمت»**

در حاشیه عرضه سهام شستا در بورس! محمد شکوهی



میزان و سهم پرداختی دولت هیچ موقع روشن نبوده است. و این یک موضوع جنگ و دعوای باندهای حکومتی بر سر سیطره شان بر این سازمان و دزدی هایشان می باشد.

سازمان تامین اجتماعی به ادعای دولت از اواخر دهه هشتاد دچار بحران شد و شرکت هایش زیان ده شدند و دولت سهم خودش را به این سازمان پرداخت نکرد. ادعا میکنند که این سازمان به این دلیل قادر نشد همه تعهدات تأمینات اجتماعی اش را در قبال کارگران و بازنشستگان و کارکنان به اجرا در بیاورد. پیشنهاد دولت احمدی نژاد فعالیت در حضور شستا و تامین اجتماعی در فعالیتهای اقتصادی بود. ایده ای که بعدها طرح "سودآوردن تامین اجتماعی" نام گرفت و سعید مرتضوی بعد از اینکه به دلیل جنایاتش در کهریزک و غیره از قضاوت منع شد، مسئول اجرای این طرح گردید.

بر اساس سیاستهای مورد توافق دولت و تامین اجتماعی، شستا وارد خرید شرکت ها و کارخانجات در بخش های مختلف اقتصاد شد. توجیه دولت گسترش فعالیتهای اقتصادی و کسب درآمد از این طریق برای تامین هزینه های روز افزون خدمات دهی اجتماعی این سازمان بود. طی یک تصمیم دولت کل سرمایه سازمان تامین زیر نظر شستا برای سرمایه گذاری اختصاص یافت. بدین ترتیب باندهای حکومتی با دست بازتری روی یک سرمایه هزاران میلیاردی ذخیره شده چنگ انداختند که قرار بود صرف تامین اجتماعی مردم بشود و آن را در جهت دزدیهای خود و کسب درآمدهای نجومی تر مورد تهاجم قرار دادند.

اواخر فروردین ۹۹ دولت اعلام کرد که شستا (شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی) ۱۰ درصد سهامش را در بورس عرضه می کند. قیمت اولیه ارزش سهام ارائه شده شستا در بورس ۸۵۰ تا ۸۶۰ تومان اعلام شده است. با این تصمیم یکی از بزرگترین کنسرن های مالی زیر نظر حکومت که سرمایه اصلی آن متعلق به کارگران و کارکنان جامعه می باشد، توسط دولت وارد معاملات بورس شده تا برای دولت درآمد زایی شود. اما شستا چیست؟ هدف دولت از ارائه سهام ایم شرکت در بورس چه می باشد؟

شستا (شرکت سرمایه گذاری سازمان تامین اجتماعی) در سال ۱۳۶۵ در قالب یک شرکت سهامی خاص با مالکیت سازمان تامین اجتماعی با سرمایه اولیه ۲ میلیارد تومان تشکیل شد. در طول بیش از سه دهه فعالیت، این شرکت تبدیل به یک غول بزرگ مالی مهم شده است. شستا با ۱۸۷ شرکت زیرمجموعه اش هلدینگهایی شامل نفت و پتروشیمی، داروسازی، سیمن، صنایع کاشی و سرامیک، کشتیرانی و مخابرات را در بر میگیرد. ارزش بازار سهام شستا حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان تخمین زده می شود.



جایی رسید که از اواخر دوره احمدی نژاد این سازمان ادعا کرد که شرکت هایش زیان ده بوده؛ درآمدهایش کم شده و نمی تواند حتی حقوق های بازنشستگان صندوق های بیکاری و مستمر بگیران را بپردازد و از دولت تقاضای اعتبار برای پرداخت حقوق ها کرد.

از اواخر دهه هشتاد موضوع بدهی های دولت به سازمان تامین اجتماعی برجسته شد. این سازمان می گوید دولت بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان از سهم پرداختی اش را به این سازمان پرداخت نکرده بود. در یک زد و بند بین دولت و این سازمان؛ دولت برای صاف کردن بدهی هایش به این سازمان اقدام به واگذاری شرکت های دولتی به این سازمان کرد. دهها شرکت دولتی و زیر مجموعه بزرگش در قابل بدهی های دولت به این سازمان، به تامین اجتماعی واگذار شدند.

قرار بود سازمان تامین اجتماعی این شرکت ها را دوباره فعال کرده و وارد چرخه تولیدی کرده و از قبال درآمدهای آنها بدهی های دولت را به صفر برساند؛ که این کار نشد. همزمان در اوایل دهه ۹۰ موضوع سوءاستفاده و رانت خواری در جریان واگذاری دارایی های دولتی بویژه شرکت های دولتی به این سازمان برملا شد. چندین کمیسیون

متقابلاً روز به روز از میزان و درجه ارائه خدمات سازمان تامین اجتماعی به میلیون ها بیمه شده این سازمان کاسته شد. در طول نزدیک به دو دهه دولت و دست اندرکاران این سازمان همه دارایی های این سازمان را رسماً بالا کشیدند و بارها اعلام کردند که سازمان تامین اجتماعی در آستانه ورشکستگی می باشد. با پول های عظیم و مفتی که باندهای سوداگر و دزد حکومتی از قبل این سازمان بهم زدند مشغول تجارت و خرید و فروش و غارت هرروزه این سازمان و دارایی هایش شدند. روشن است که کارگران کمابیش در جریان این غارت عظیم بودند و نپرداختن بیمه ها و طلبهایشان باعث یک جدال گسترده کارگری علیه این دزدیها گردید. یک بحث مداوم کارگران و فعالین کارگری افشای دزدیهای آقازاده ها و دزدان دولتی از سازمان تامین اجتماعی بوده است که در واقع ذخیره کارگران و کارکنان جامعه را که قرار بوده برای روزهای بازنشستگی و بیماری پس انداز شود، بالا کشیده اند.

در دوره احمدی نژاد سیاست های این سازمان کلاً تغییر پیدا کرد. دولت سیاست "سودآوردن شستا و تامین اجتماعی" را در دستور گذاشت که چوب حراج دیگری بر باقیمانده دارایی های این سازمان بود. کار به



جماعت با اینهمه پول که اسکناسهای حساب بانکی هرکدامشان صدتا بار شتر میشود چگونه از در بهشت که نباید چندان عریض باشد، میتوانند عبور کنند و وارد شوند؟ بعلاوه حساب کنید که آن جناب ربیعی یا روحانی که حساب هر تک دلار گم شده (بیخشد، دلاربر نگشته) را نگه داشته اند از نظر ریاضی چه اعجوبه هایی هستند! بیخود که به مقام ریاست جمهوری و سخنگویی دولت

در راه گیر افتاد و هزار مورد دیگر مگر در این مملکت نبوده است؟ اگر کسی ریگی در کفش نداشته باشد چرا باید بیهو به یک مورد ناچیز گیر بدهد؟ تازه از کجا معلوم که دقیقا همین مقدار بوده است؟ رئیس قوه قضائیه هم تایید کرده که مقدارش اینقدر نبوده و برای چند میلیونش پرونده قضائی تشکیل شده است. ایا همینقدر کافی نیست که انسان دور این چندرغاز پول را خط بکشد؟

از شوخی گذشته ما واقعا دارد کله مان از این همه دزدی سوت میکشد. پیش خودم فکر میکردم این آخوند

بنابراین گم نشده است. فقط یکی باید به این جناب بگوید اگر حساب و کتاب هر یک دلارش را شما دارید چرا در بحث بودجه ظاهرا هیچکس از آن خبر ندارد؟ بهرحال بهتر است اصلا سوال نکنیم. اگر ایشان میگوید حساب و کتابش را دارد حتما دارد. تازه مگر اول بار است که در این مملکت پولهای کلان و نجومی گم شده است؟ سال پیش، چهار سال پیش، ده سال پیش و... داستان کامیونهای شمش طلا که از ترکیه سر در آورد و پولهایی که در چمدانهای متعدد به سوی لبنان میرفت و

است. اما کسی که گم شده معنایش اینست که راهش را گم کرده است و نتوانسته است برگردد یا کسی او را گمراه کرده است و سر از جای دیگری در آورده.

تازه مهم اینست که بنا به گفته ربیعی سخنگوی دولت حساب و کتاب "هر تک دلارش" را دولت دارد. بنابراین گم نشده است. فقط باید پیدا کرد پرتقال فروش را! همه میدانند از چه حرف میزنند اما دارند با کلمات بازی میکنند و فکر میکنند مردم ناحالی تشریف دارند. یاد آن داستان دوره ابتدایی افتادم که چیزی شبیه این بود که اشپز شاه میگوید اگر من بدانم فلان ظرف گران قیمت طلا که من مشغول شستنش بودم دقیقا کجاست آیا میشود کسی بگوید آن ظرف گم شده است؟ جواب میدهند که نه بهیچ وجه. میگوید آن ظرف ته دریاست! الان هم جناب ربیعی سخنگوی دولت میگوید ما حساب و کتاب هر یک دلارش را داریم

داستان گم شدن چهار میلیارد و هشتصد میلیون دلار کاظم نیکخواه



تومانی پرداخت شده بر نگشته است. حسن روحانی برافروخته شده و میگوید حرف ایشان کارشناسی نیست. و سخنگوی دولت میگوید ما حساب و کتاب یک دلارش را هم داریم. و از دیوان محاسبات انتقاد میکنند که چرا علنا در سخن مجلس چنین ادعایی کرده و گفته است که این مقدار پول گم شده است. دیوان محاسبات هم میگوید من نگفتم گم شده است. بلکه گفتم "بر نگشته است!" متوجه شدید؟ گم نشده بلکه بر نگشته. این دوتا با هم خیلی فرق میکند. کسی که بر نمیگردد ممکن است خودش نخواسته است بر نگردد و به جای دیگری رفته

چهار میلیارد و هشتصد میلیون دلار پول گنده ای است. جلوی عدد 48 هشت تا صفر بگذارید و انهم با دلار ببینید چه عدد عظیمی است. این یک قلم "کوچک" از دردیهای حکومتی در ایران است. با آن میشود در اروپا یک قصر را قلفتی صاحب شد. در ایران که عددش سر به فلک میزند. فکر کنم شصت هفتاد هزار میلیارد تومان میشود. اما داستان گم شدن این چهار میلیارد و هشتصد میلیون دلار داستان جالبی است. سخنگوی دیوان محاسبات در سخن مجلس اعلام کرده است که این مقدار پول که با دلار چهار هزار و دویست هزار

رهبران کارگری را آزاد کنید



جعفر عظیم زاده و پروین محمدی از رهبران جنبش کارگری

باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند





خانواده مقتول را در آمپاسی قرار میدهد که هر تصمیمی بگیرند باید تا آخر عمر با وجدان خودشان کلنجار بروند. از آن طرف مسئله "دیه" متاسفانه برای عده ای به دکان تبدیل شده است. عده ای فکر می کنند این فرصتی است که با درخواست رقم های هر چه بزرگتر "دیه" حفره های اقتصادی خود را به قیمت خانه خرابی عده ای دیگر پر کنند. همه این خانواده ها عمدتاً خانواده های کارگر و زحمتکش هستند. بر ما چه آمده است که بجای یافتن راه های انسانی و پشت پا زدن به قوانین متحجر اسلامی و عقب زدن جمهوری اسلامی بهمیدگر باید فشار بیاوریم. بخشش و گذشت خوب است ولی نه تن دادن به قوانین متحجر اسلامی و در زمین دشمن بازی کردن. گذشت انسانی خوب است ولی خوب همراه باشد.

قوانین جمهوری اسلامی عصرحجری و قرون وسطایی و ضد انسانی است. سپردن کیفر قاتل در هر شکل و سطحی به خانواده مقتول (خونبها، رضایت، بخشش، دیه و غیره) تماماً عشیرتی و ارتجاعی است. فلسفه

عدالت مدرن اینست که قتل مدعی العموم دارد یعنی جامعه مدعی است و نه خانواده مقتول. بهمین دلیل کیفر و حکم و نحوه اجرای آن هیچ ربطی به خانواده ها ندارد. سیستم قصاص جمهوری اسلامی سروته است. قتل را امری شخصی میداند و رابطه جنسی افراد را امری اجتماعی! رابطه جنسی بزرگسالان، یعنی آنچه اساساً جرم محسوب نمیشود مستحق سنگسار و پرتاب از بلندی است و رضایت طرفین هم شرط نیست اما کیفر قتل به رضایت خانواده بستگی دارد! قوانین و سیستم قضایی جمهوری اسلامی ربطی به عدل و داد و دادگستری و مجازات و قوانین قضایی مدرن ندارد و کاملاً ضد بشری است. این سیستم با مجازاتهای ضد بشری اش نظیر سنگسار و قصاص و قطع دست و پا و درآوردن چشم و به صلیب کشیدن و زدن شلاق و غیره تماماً باید لغو و کنار گذاشته شود و یک سیستم قضایی مدرن و مدنی بجای آن گذاشته شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام تلاش فعالین اجتماعی و مخالفین مجازات اعدام را ارج می گذارد که ضمن مخالفت با

به قوانین قرون وسطایی جمهوری اسلامی یک نه محکم بگوئیم!

جمهوری اسلامی وضعیت دردناکی بوجود آورده است. خانواده های محکومین به اعدام به هر دری می زنند تا تا عزیزانشان را از مرگ و اعدام نجات دهند. یک راه که خیلی ها آنرا انتخاب می کنند مراجعه به خانواده های مقتولین است که آنها را راضی کنند که ار "قصاص" بگذرند. ولی برخی از خانواده های مقتولین این را قبول نمی کنند و عملاً در اعدام شریک میشوند و تا آخر عمر عذاب وجدان پیدا میکنند. خانواده های محکومین نیز هر لحظه منتظرند عزیزشان اعدام شود و داغدار شوند.

این چه وضعی است که برای ما بوجود آورده اند؟! جمهوری اسلامی با قوانین قرون وسطایی اش وضعیتی ایجاد کرده که خانواده های قاتلین و مقتولین را به جان هم بیندازد. می خواهد خانواده مقتول را شریک جرم و جنایت خود بکند. شرایطی بوجود آورده است که

باشد. هر اندازه ما این ارزشها را پاس بداریم هم توانسته ایم انسانی را از مرگ نجات دهیم و هم کمر حکومت را به خاک مالیده ایم و همه با وجدان آسوده تر به زندگی ادامه خواهیم داد. جنبش علیه اعدام در ایران بسیار وسیع و قدرتمند است و وظیفه دارد این ارزشها را هرچه بیشتر به فرهنگ جامعه تبدیل کند.

اعدام و قوانین عصر حجری جمهوری اسلامی سعی می کنند با جلب رضایت خانواده های مقتولین برای بخشش محکومین آنها را از شریک شدن در جنایات جمهوری اسلامی بازدارند و جلو هر تعداد اعدام را که بتوانند بگیرند. درخواست ما از همه طرف های درگیر در این مسئله این است که راه حلهایی را درپیش گیرند که ضمن عقب زدن قوانین ارتجاعی و ارزش های پوسیده جمهوری اسلامی بر محور انسانیت، همدردی و همبستگی بنیاد گذاشته شده

کمیته بین المللی علیه

اعدام

۲۲ آوریل ۲۰۲۰

۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۹

شرایطی که بازنشستگان و مستمری بگیران ماهها منتظر پرداخت چندغاز حقوق می باشند و... جمهوری اسلامی باند های دزد و غارتگرش سرمایه ها و دارایی های این سازمان را که اساساً متعلق به کارگران و مردم کارکن می باشد، رسماً صرف هزینه های دیگر حکومت کرده و میلیونها کارگر و بارنشته را به فقر و فلاکت بیشتر محکوم میکند. کرونا هم یک "نعمت الهی" برای دولت و کل جمهوری اسلامی شده است تا با توسل به آن بیشترین تعزرات را به معیشت و زندگی میلیونها کارگر به جریان بیندازد. در برابر این سیاستها و چپاولها بویژه مصادره دارایی های این سازمان، کارگران و بازنشستگان نباید ساکت بنشینند. همه سرمایه و منابع مالی این سازمان باید در خدمت بیمه شدگان قرار بگیرد. دست دولت و باندهای دزد و چپاولگر از این سازمان باید قطع شود.*

سازمان تامین اجتماعی برای گسترش عرصه های خدمات به بیمه شدگان این سازمان یک دروغ آشکار می باشد. شستا و سرمایه آن مال کارگران و بازنشستگان بوده و باید همه منابع مالی آن صرف رفع و رجوع دهها نیاز فوری جامعه کارگری بشود. دولت دزدان و آدمکشان اسلامی سرمایه با این سیاست های ضد کارگری و ضد مردمی اش رسماً و علناً همه سرمایه این سازمان را مصادره و غارت می کند. شستا و تامین اجتماعی مجموعه ای بزرگ امکانات مالی دارد که تحت کنترل دولت و برای مصارف دولتی و باندهایش به کار گرفته میشود.

در شرایط امروز بحران کرونا که بیش از هر زمانی بیمه شدگان نیاز به حمایت حقوقی و مالی، برخوردار از امکانات دوا و درمان و بهداشت دارند، در شرایطی که بیکاری میلیونها کارگر را تهدید به گرسنگی و بی خانمانی می کند، در

رضوانی فر، مدیرعامل سابق شستا به همراه تعدادی از کارشناسان دولتی و شستا در نشست ماه گذشته اینطوری بیان کرده است: "با توجه به وضعیت شیوع بیماری کرونا در کشور سازمان تامین اجتماعی حداقل تا ۶ ماه آینده نمی تواند پول خود را از بیمه گذاران بگیرد و نهایتاً دولت باید منابعی را برای تامین این تعهدات تعریف کند. یکی از راه ها همین حضور در بازار سرمایه و عرضه سهام شرکت های وابسته به دولت در بورس است." لازم به توضیح است که ردیف تامین منابع مالی بودجه ۹۹ دولت بند مربوط به تامین منابع مالی از محل فروش دارایی های دولت تعبیه شده است که بخش بزرگی از آن همین موضوع فروش و واگذاری شرکت های دولتی می باشد. رسماً مجلس و شورای نگهبان هم این اجازه را به دولت داده اند.

ادعای اختصاص درآمدهای حاصل از فروش سهام شستا به

حاصل از فروش واگذاریها، گویا هزینه بیمه های اجتماعی سازمان تامین اجتماعی را تامین خواهند کرد. اما در عالم واقع هیچ چیزی در این سازمان به نفع کارگران و بیمه شدگان تغییر نکرده که هیچ؛ بلکه سر و ته بسیاری از خدمات این سازمان را نیز زده اند. سرمایه ها را بالا کشیده و با وقاحت میگویند زبان ده شده و قدرت پرداخت حقوق های بازنشستگان و مستمری بگیران را نداشته و باید دولت کمک نماید. بر اساس حساب و کتاب هایی که خود شستا کرده است تنها در سال ۹۷ درآمدهای این سازمان از محل فعالیتهای اقتصادی ۳۵ هزار میلیارد تومان بوده است. این درآمد ها بین باندهای دولتی و هیات امنای این سازمان تقسیم شده و فقط صرف لفت و لیس و دزدیهای حکومتی شده است.

یک هدف دیگر دولت از عرضه سهام شستا در بورس را محمد

در حاشیه عرضه سهام شستا در بورس!

تحقیق و تفحص" از این سازمان درست شد اما به دلایل روشنی نهایتاً به هیچ نتیجه ای نرسید. طرح "سودآورکردن این سازمان" که تا کنون و در دولت روحانی نیز ادامه دارد در واقع میراث دوره احمدی نژاد و مرتضوی است. شرکتهای دولتی واگذار شده به این سازمان یکی پس از دیگری اعلام ورشکستگی کرده و هزاران کارگر اخراج شدند.

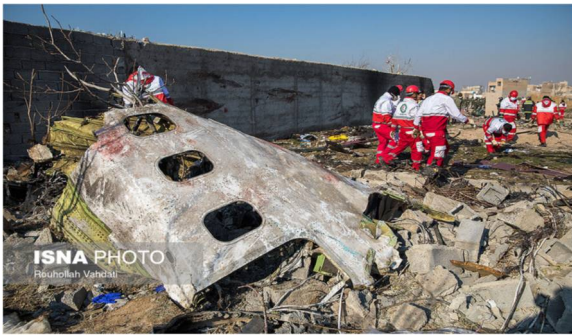
بر اساس این سیاست دولت روحانی و سازمان تامین اجتماعی از محل درآمدهای حاصل از واگذاری شرکت های دولتی در بورس با پادرمیانی شستا، ضمن تضمین سودآور کردن این شرکت ها، درآمدهای این سازمان را افزایش داده و از قبل درآمدهای

سرنگونی هواپیمای اوکراینی انجام وظیفه بود

حسن نوروزی نماینده مجلس جمهوری اسلامی گفت سرنگونی هواپیمای اوکراینی «انجام وظیفه نیروهای نظامی» بود و «نیروهای نظامی وظیفه خود را در این زمینه به خوبی انجام داده‌اند» و «اصلاً کسی در این رابطه بازداشت نشده است.» او در شرایطی اینرا میگوید که بعد از اوجگیری اعتراض علیه سرنگونی هواپیمای

از مدیای اجتماعی

اوکراینی چند نفر از مسئولان حکومت زیر فشار اعتراضات سراسری مردم تاکید کردند که چند نفر بدلیل شلیک به این هواپیما بازداشت شده‌اند. حسن نوروزی درست میگوید. کسی بازداشت نشده و اگر هم شده است چند ساعتی برای ساکت کردن مردم بوده است. اگر کسی بازداشت شده بود بعد از سه ماه پرونده‌ای باز شده بود و محاکمه‌ای صورت گرفته بود. نیروهای نظامی و سپاه و



بوده است. مرتجعینی از اپوزیسیون هنوز هم ادعا میکنند که انقلاب راهش نیست! حکومتیان وظیفه خود را دارند، اصلاح طلبان هم همینطور، ماله کشان هم همینطور. مردم هم وظیفه خود را دارند: افشاگری، اعتصاب، اعتراض، متشکل شدن، سازمان دادن و سازمان یافتن، متحد شدن و آگاه شدن، شورش و انقلاب. (برگرفته از فیس بوک حزب کمونیست کارگری)

سازمان جوانان کمونیست

Communist Youth Organization

سیاسی، جنسی، فرهنگی و فکری و عقیدتی و دهها مورد دیگر از طرف جمهوری اسلامی، توجه جامعه را به سمت عامل اصلی این مشکلات جلب کرده است و شرایط آنقدر برای حکومت بحرانی است که روزنامه "جهان صنعت" روز سوم اردیبهشت در این رابطه مقاله‌ای با عنوان "کرونا و تاب آوری" در صفحه اول خود به چاپ رسانده است؛ نویسنده با اشاره به مدیریت امنیتی و پنهانکاری جمهوری اسلامی در اعلام شیوع کرونا در دی ماه و راهکارهای ناکارآمد و موقت مهار کرونا، به فرارسیدن موج بعدی بیماری و بحران شدیدتر اقتصادی در پی آن پرداخته است. مقاله به جمعیت 35 میلیون

اعتراف به پایان نظام جمهوری اسلامی در روزنامه های حکومتی

شرایط سخت معیشت جامعه با وجود فساد ساختاری نظام جمهوری اسلامی و تبعات اقتصادی بحران کرونا هر روز سخت تر می شود و این شمارشی معکوس برای یک انفجار اجتماعی است. با گذشت یک ماه از سال جدید و با وجود دزدی های حکومتی و بحران کرونا، روند صعودی بیکاری، گرانی و تورم دوباره سرعت گرفته است. این فشارهای اقتصادی در کنار تبعیضات و ستم ها و سرکوبهای

نفری کشور که در حال حاضر با بیکاری و فقر و گرسنگی درگیرند اشاره کرده و بیکاران و ورشکستگان طبقه متوسط و مرفه هم با ادامه این روند به آمار افزوده است. با توجه به افزایش روزانه قیمت مایحتاج زندگی و سخت تر شدن معیشت مردم در همین مدت کوتاه، در مقاله آمده "اکنون تبعات اقتصادی کرونا و در پس آن، تبعات اجتماعی بیماری در کشور نمایان شده است و فروپاشی اقتصادی و سپس فروپاشی اجتماعی در آینده نزدیک غیرقابل اجتناب خواهد بود." همچنین در رابطه با اعتراضات آبان ماه و سرنگونی هواپیمای اوکراین و شروع مجدد اعتراضات در سطحی وسیع تر و شدیدتر می نویسد: "مطالعه منحنی روند اعتراضات مردمی در کشور در سال های 78، 88،



96 و 98، بروز مجدد نارضایتی های اقتصادی و اجتماعی در جامعه و کشیده شدن آن به سطح خیابان ها را طی ماه های آینده در پی خواهد داشت" و از اعتراضات پیش رو به عنوان ابرجنبش اعتراضی با حضور تمام طبقات جامعه یاد کرده است. این اظهارات رسانه های حکومت که دیگر از حالت هشدار و پیش بینی هم عبور کرده است از بروز اعتراضات به صورت پدیده‌ای حتمی در آینده نزدیک یاد میکند. چرا که به طور مشخص عامل تمامی بحران ها در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیط زیست و سلامت جامعه وجود جمهوری اسلامی است و این نظام برای بقا، بحرانی جدید در پی بحران های قبلی ایجاد می کند. بنابراین سرنگونی حکومت فاسد و جنایتکار و دزدسالار جمهوری اسلامی با اعتراضات گسترده، اولین و آخرین راه حل مردم برای رهایی از بحران ها و دست یابی به یک زندگی انسانی و شاد و آرام و مرفه و مبتنی بر عدالت اجتماعی است.

(از سایت سازمان
جوانان کمونیست)

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6



مبارزه با کرونا در ایران از آقای گلچین گرامی تشکر میکنم و امیدوارم در آینده نزدیک، شاهد همیاری بیشتر هنرمندان و همه مردم با این ستاد برای کمک رسانی به مردم ایران در مقابله با کرونا باشیم.

مینا احدی
کانال ستاد مردمی مبارزه با کرونا در ایران

داده ام. این ستاد وابستگی خاصی به جایی را ندارد و در خارج از کشور، حمایت های مادی ایرانیان مقیم خارج از کشور را جمع آوری نموده و مستقیم به دست آنها تیکه در ایران از کرونا ضربه دیده اند میرسانند. امیدوارم که با همیاری و همکاری مردمان انساندوست بتوانیم خدمتی در این رابطه انجام داده باشیم.
من از طرف ستاد مردمی

اهدای تابلوی نقاشی به ستاد مردمی مبارزه با کرونا!

هنرمند سرشناس ایرانی / آلمانی تابلونقاشی خود به ارزش ۱۵ هزار یورو را به ستاد مردمی مبارزه با کرونا تقدیم کرد!

در صفحه فیس بوکی آقای حسین گلچین میخوانیم :

من این تابلو را برای ستاد مقابله با کرونا در ایران هدیه



و باید به تمام معنی در شکوفایی جامعه، سلامت و رفاه همه مردم باشد. انقلابی که ریشه های جهل و جنایت و استثمار و ماشین سرکوب حکومت را بخشکاند و رفاه و برابری و خوشبختی و سلامتی را در جامعه و برای همه حاکم کند. جامعه ایران به کمتر از این رضایت نمیدهد.

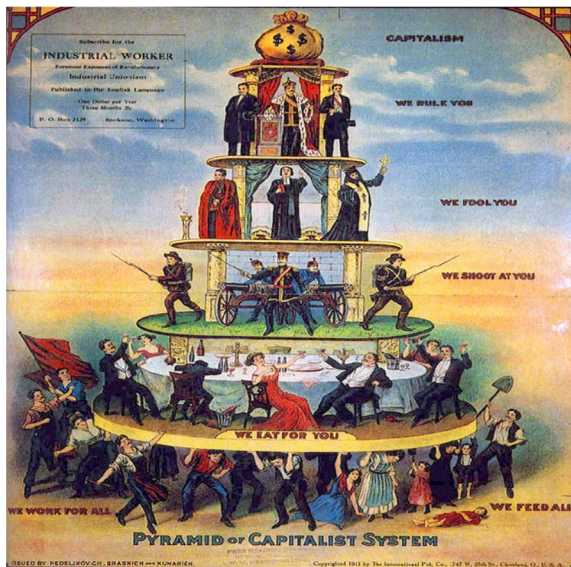
(از صفحه حزب
کمونیست کارگری ایران)

رفاه توده مردم باشد. اما برای نصیب بردن از این علم در دنیایی کنونی بخصوص در جمهوری اسلامی سرمایه باید حساب بانکی ات پر و پیمان باشد. امثال خامنه ای از همین علم پیشرفته پزشکی و بهداشتی و تغذیه کمال استفاده را میکنند تا چند صباحی بیشتر زنده بمانند و بیشتر جنایت بیافرینند. با سرنگونی جمهوری اسلامی علم پیشرفته میتواند

جنگ افروزی است." البته حقیقتی در این گفته است. از تلاش برای ساخت بمب اتم و سرنگونی هواپیمای مسافری با موشک های سپاه تا شکنجه های هولناک و جاسوسی در زندگی مردم همه محصول علم پیشرفته است که جمهوری اسلامی نهایت استفاده را از آن میبرد. از سوی دیگر بخشی دیگر از علم پیشرفته هم هست که میتواند و باید در خدمت سلامت و

خامنه ای، کرونا و علم!

خامنه ای دوباره ظاهر شد و با لاقیدی تمام در مصیبت گسترش کرونا که خود نقش اساسی در گسترش آن داشته است مردم گرفتار در مصیبت را حواله داده به فرج مهدی. و در مقابل، با تحقیر علم میفرماید: "علم پیشرفته در خدمت بی عدالتی و



است بگذار همانها که حاصل استثمار کارگران را به جیب میزنند و آقازاده ها و خیل آیت الله های مفتخور از وطنشان دفاع کنند.

این تقسیم کار جالبی نیست! که درآمدها و دزدیها مال مفتخوران یک درصدی باشد و استثمار و فقر و محرومیت و تحقیر و گوشت دم توپ شدن مال فرزندان کارگران و مردم فقیر و زحمتکش!

(از فیس بوک حزب
کمونیست کارگری ایران)

رخ خانواده های همان سربازانی بکشد که در کارخانه ها و بیمارستانها از محرومترین بخش جامعه اند. احتیاج به پادگان و سرباز اجباری دارد تا در کشورهای منطقه دخالت کند و سربازان را گوشت دم توپ کند و در مواقع عادی نیز از آنها بیگاری بکشد و مفت و مجانی استثمارشان کند. این در حالی است که آقازاده ها و فرزندان فرماندهان ارشد حکومت در ویلاهای خوش آب و هوا در ایران یا در کشورهای دیگر مشغول تفریح و عیاشی هستند. اگر بحث دفاع از وطن

دفاع از وطن را به آقازاده ها و مفتخورها بسپاریم!

مقامات نظامی حکومت میگویند نمیتوانیم بخاطر نگرانی از کرونا پادگانها را تعطیل کنیم و توان دفاعی کشور را پایین بیاوریم! جنگی در کار نیست و اگر هم جنگی بخواهد صورت گیرد یک پای اصلی و یک دلیل اصلی آن خود حکومت است. حکومت سربازی را برای جوانان اجباری کرده و هر سال صدها هزار نفر را به اجبار به پادگانها میکشد تا قدرت نظامی اش را قبل از هر کس به

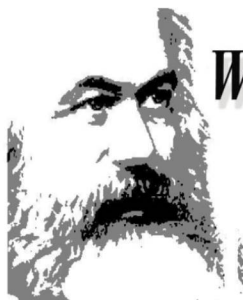
آدرس های تماس با حزب:

تلفن واتس اپ: 00447435562462

انستاگرام: wpi91

تلگرام حزب: @wpi_hkki

پیامگیر تلگرام: @wpi_tamas



WE STILL NEED MARX

TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

کارگران، تعیین میزان حداقل دستمزد و کساکشهای درون حکومت

که بگویند به فکر مردم هستند ولی از این تنور هم آبی برای کارگران گرم نخواهد شد. بعلاوه به طومار چند هزار نفری اشاره کردید. طوماری که هدفش چهارچوب قانون کار جمهوری اسلامی و افزایش ناچیز حداقل دستمزد است ارزش چندانی برای کارگران ندارد. عده ای می خواهند توقعات و انتظارات کارگران را پایین بکشند. اما "کارگر بیدار است و از حيله گر بيزار است". اگر کسی بخواهد به بیانیه های واقعی کارگران در زمینه حداقل دستمزد اشاره ای کند من شما را به بیانیه های **سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، شورای بازنشستگان ایران، گروه اتحاد بازنشستگان، اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران و همچنین بیانیه انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای نقاشان البرز، گروهی از خبازان مریوان و گروهی از فعالین کارگری سنندج رجوع می دهم که چگونه بدون تخفیف از میزان دستمزد ۹ میلیونی و ۱۱ میلیونی حرف زده اند. این توقع کارگر است. هیچ نماینده دولت و یا مجلس حاضر نیست که با سطح دستمزد فعلی و یا حتی کمی بیشتر از آن حتی برای چند روز زندگی کند چرا باید کارگر به این تن بدهد؟**

انترناسیونال: آیا مشکل فقط در نظر گرفتن تورم ۴۱ در صدی بوده و در اینصورت اگر یک میلیون دیگر به دستمزد کارگران اضافه میشد مساله حل بود؟ در هرحال الان بخشنامه مربوط به حداقل دستمزد ابلاغ شده است، آیا فکر میکنید این پرونده برای امسال بسته میشود؟ حقیقتا فکر می کنید

چنین اتفاقی می تواند بیفتد؟
شهلا دانشفر: روش است که با یک میلیون تومان هیچ چیز حل نمیشود. دعوی نهادهای به اصطلاح کارگری در شورایی کار که بر سر آن اینهمه هیاهو به پا کردند، صرفا بر سر ۵ درصد افزایش بیشتر دستمزدها بود. آنها پیشنهاد ۲۶ درصدی میزان حداقل دستمزد را داشته اند و این را سیفی از نمایندگان تشکلهای کارفرمایی به روشنی توضیح میدهد. بعد هم دیدیم که تحت عنوان اینکه حداقل دستمزد با نرخ تورم اعلام شده بانک مرکزی تطابق ندارد، مصوبه شورایی کار را امضا نکردند. بعد از آن نیز شماری از نمایندگان مجلس اسلامی با غیر قانونی خواندن مصوبه شورایی کار و با استناد به نرخ تورم ۴۱ درصدی بانک مرکزی بر افزایش دستمزدها به سقف دو میلیون و هشتصد تاکید کردند. در عین حال برخی از کارشناسان اقتصادی حکومتی و مقامات دولتی با وقاحت تمام مدعی شدند که با دستمزد تعیین شده، عملا افزایش ۳۲ درصدی در حداقل مزد کارگران و دو میلیون و ۸۰۰ هزار تومان در حقوق سال ۱۳۹۹ کارگران لحاظ شده است! یعنی با شامورتی بازی میخواهند افزایش ۱۵ درصدی را ۳۲ درصد و یا بیشتر جا بزنند.

جالب اینجاست که در همین مقطع حتی شایعاتی مبنی بر شروع کار مجدد شورایی کار برای بازبینی میزان حداقل دستمزد سال ۹۹ به راه افتاد. در واقع این هیاهوها را به پا کرده اند که آبی بر آتش خشم کارگران بریزند و بعد هم دیدیم که دولت ابلاغیه تصمیم شورای عالی کار در مورد میزان حداقل دستمزدها را ارسال و به آن رسمیت داد. خوب همه این بحث ها نشانگر عمق شکاف در درون حکومت و وحشتشان از فضای اعتراضی جامعه است. اما از اینها که بگذریم شما حتی فرض کنید که دستمزدها بنا به همه این بحث و فحص ها

دولت موظف است معیشت همه شهروندان را تامین کند



هم اکنون در سطح جامعه جنبشی بر سر زندگی و معیشت با گفتمان #قرنطینه بدون تامین معیشت ممکن نیست به راه افتاده است. حزب کمونیست کارگری تلاش میکند تا این جنبش را هر چه بیشتر تقویت و همه گیر کند.

یک میلیون بیشتر تعیین میشد، تازه باز هم فاصله آن با سید هزینه واقعی در سطح جامعه فاحش است و حداقل یکسوم زیر خط فقر است. از جمله فرامرز توفیقی رئیس کمیته مزد در مهر ماه ۹۸ از افزایش خط فقر به بالای رقم هشت میلیون سخن گفت. امروز نیز کارگران با شعار خط فقر ۹ میلیون، حقوق ما دو میلیون اعتراضشان بطور واقعی به زندگی زیر خط فقر است. کارگران با این شعار بر افزایش میزان حداقل دستمزدها در قدم اول به بالای خط فقر اعلام شده خود حکومت تاکید دارند و این خواست همین امروز گفتمان بیانیه های کارگری علیه مصوبه دولتی مبنی بر تعیین یک میلیون و هشتصد هزار تومان برای حداقل دستمزدها برای سال ۹۹ است.

اما اینکه آیا پرونده تعیین میزان حداقل دستمزد برای امسال بسته میشود، به نظرم قطعا اینطور نخواهد شد. موج اعتراضی که بر سر دستمزد تعیین شده برای سال ۹۹ به پا شده، بیانیه های پرشور کارگران در اعتراض به این موضوع در همین فاصله کوتاه و از سوی دیگر بلیسویی که در درون خود حکومت به راه افتاده و ترس و هراسشان از اوضاع پسا کرونایی نشانگر این حقیقت

است. کارگر منتظر بررسی مجدد نمیشود. در این اوضاع میشود در چشم انداز دید که کارگران و مردم بر سر این حکومت بریزند و حق و حقوقشان را مطالبه کنند. طبعاً تا آنجا که به اقدام دولت برمیگردد، آنها بخشنامه خود را داده و تصمیم شان را گرفته اند و بررسی مجددی در کار نخواهد بود. اگر چه و گفته اند که بازنگری در میزان حداقل دستمزد در نیمه سال منتفی نیست و این حرف را میزنند که کمی فضای اعتراضی را کاهش دهند و این حرف هرساله اینهاست. و بعد هم کار خود را میکنند. "نمایندگان کارگری" نیز بعد از آنهمه هیاهو با پایان گرفتن بازی ای که به راه انداختند، امروز دیگر حرف چندانی ندارند و با اظهار امیدواری کردن به اینکه در نیمه سال بحث بر سر بازنگری میزان حداقل دستمزد دوباره روی میز شورای عالی کار قرار گیرد، عملا موضوع را خاتمه یافته اعلام کرده اند. بدین ترتیب هر کدام از طرفین شورایی کار به زبانی اجماع خود را با تصمیم گرفته شده اعلام کرده اند. اما نکته اصلی اینجاست که بخشنامه شدن تصمیم شورای عالی کار و اعلام آن به جامعه در واقع یک اعلام جنگ است و کارگران کوتاه

نخواهند آمد و پرونده دستمزد باز می ماند. بیانیه های اعتراضی کارگری دارد فضای اعتراضی کارگران و کل جامعه را انعکاس میدهد. بعلاوه امروز مساله از بحث صرف افزایش دستمزد فراتر رفته است. کارگران در بیانیه هایشان ضمن اعتراض به دستمزدهای چند بار زیر خط فقر بطور واقعی حکومت اسلامی را بخاطر سرکوبگری ها و جنایتش دارند به چالش میکشند و بعنوان مدعی کل جامعه دارند از معیشت همه مردم که بویژه در این بحران کرونا به نابودی بیشتری کشیده شده، سخن میگویند. به عبارتی روشنتر کارگران و همه مردم مترصد فرصتی هستند که بپرند جلو و کل این بساط بردگی و توحش را پایان دهد و امروز بحث برسر اوضاع پسا کرونایی و شورش های مردمی است. در واقع همانطور که جلوتر هم اشاره کردم سیاستهای جنایتکارانه حکومت در قبال کرونا و ایستادنش در کنار این بیماری مرگبار خشم و نفرت جامعه را بشدت افزایش داده است. مردم فریادشان از گرسنگی و بی تامینی بلند است و خود حکومت دارد از خطر شورش گرسنگان حرف میزند و هشدار میدهد. از همین رو امروز ادامه در صفحه ۱۲

کارگران، تعیین میزان حداقل دستمزد و کساکشهای درون حکومت

مساله اول جمهوری اسلامی مساله بقا و دو روز بیشتر بر سر قدرت ماندن است. و برای آن به هر چیزی چنگ می اندازد. سرکوب میکند که بماند و در پناه سرکوب زندگی و معیشت مردم را به تاراج میبرد.

از همین رو امروز جنگ مردم با کرونا، جنگ مردم برای نجات جان خود، جنگ مردم با فقر و گرسنگی، به جنگ با کل حاکمیت گره خورده است و جامعه این را میداند. این چنین است که چشم انداز انقلابی انسانی، انقلابی بر سر معیشت و حرمت انسانی در چشم انداز نزدیک جامعه قرار گرفته است. بنابراین اتفاقی که همین امروز می افتد و باید بیفتد گسترش اعتراضات کارگری و کل جامعه است. مبارزه برای افزایش دستمزدها یک عرصه مهم چنین اعتراضی است.

انترناسیونال: اینکه مسئله حداقل دستمزد به تشمت در بالای حکومت و طرح آن در مجلس منجر شده آیا می تواند فرجه ای برای کارگران باشد تا در مبارزه برای احقاق حقشان دست بالاتری پیدا کنند؟

حسن صالحی: ببینید! کلا آنچه که در بالا اتفاق می افتد فقط تحولی در چهارچوب بالایی ها نیست. از پایین نشات گرفته است. حق خواهی کارگر زیاد است و اعتراض حتی در این شرایط لعنتی کرونایی خاموش نشده است. کارگران دارند با دستمزد چند بار زیر خط فقر با گرسنگی دست و پنجه نرم می کنند. گرانی پیدا می کند و خود حکومت دارد از شورش گرسنگان حرف می زند. همه

اینها در بالا بازتاب خود را پیدا می کند. منتها به این شکل که جلو بیفتند تا با قیل و قال و روضه خوانی برای "وضعیت سخت معیشتی کارگران" اعتراضات کارگری را به خیال خودشان ترمز کنند. این مفلوک ها فکر می کنند طبقه کارگر "ذلیل" است که اینها می خواهند به او صدقه دهند. می دانند ولی به روی نامبارکشان نمی آورند که کارگران شریانهای اقتصادی مملکت را در دست دارند و اگر اراده کنند کار این رژیم را با اعتصابات سراسری خود یکسره خواهند کرد، همانطور که رژیم شاه را سرنگون کردند. در هر صورت تقلاهای حکومتی یک خاصیتش برای اعتراضات میدانی کارگران این است که حق به جانب تر در باره خواست افزایش دستمزد حرف بزنند. وقتی که نمایندگان مجلس اسلامی می گویند که دستکم یک میلیون تومان دیگر باید به حداقل دستمزد اضافه شود طبعاً کارگر می تواند بگوید پس معطل چه هستید و پنج و شش برابرش را به دستمزدها اضافه کنید. نمی کنید پس لطفاً گورتان را گم کنید. کارگران با ثروتی که تولید می کنند و با قدرت بزرگ اجتماعی که دارند صاحبان واقعی جامعه هستند و بهتر از هر مفتخور سرمایه داری و آیت الله کپک زده و مفتخوری می توانند جامعه را اداره کنند و آسایش و رفاه را برای همگان به ارمغان بیاورند.

انترناسیونال: الان با توجه به اینکه کرونا بیداد می کند و امکان برگزاری اجتماعات بزرگ هم نیست سؤال این است که چطور مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد را به پیش برد؟ البته می دانیم که در این رابطه جنب و جوشهای زیادی به جریان افتاده است.

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردید جنب و جوش بسیار است. یک شکل این اعتراضات همان بیانیه های

کارگری است که همراه با خود گفتمان میسازد و صف متحدی از اعتراضات بخش های مختلف کارگری را شکل میدهد. و در واقع یک قدرتنمایی کارگری در مقابل حکومت است. بویژه روز جهانی کارگر نزدیک است و فرصت مناسبی است که با گرامیداشت قدرتمند و سراسری این روز در مدیای اجتماعی کیفرخواست خود را علیه تحمیل دستمزدهای چند بار زیر خط فقر و کل این بساط توحش و بردگی اعلام کنیم و با بیانیه ها و قطعنامه های پرشورمان خواستههای کل جامعه را برای داشتن یک زندگی انسانی نمایندگی کنیم.

بویژه خوشبختانه امروز بخش های مختلف کارگری در مدیای اجتماعی و از جمله در گروههای هزاران نفره تلگرامی و اینستا و غیره متشکل اند. این گروهها بستر مناسبی برای همدل کردن صف میلیونی کارگران و همه مردم در اعتراض به زندگی زیر خط فقر و برای داشتن یک زندگی انسانی هستند.

در عین حال اعتصابات سراسری کارگری جایگاه سیاسی مهمی در روند سیاسی امروز جامعه دارد و زمینه آن بسیار فراهم است. یک گفتمان مهم اعتصابات کارگری باید اعتراض به دستمزدهای چند بار زیر خط فقر و تامین معیشت همه مردم جامعه توسط دولت باشد. تاکید بر خواستههای پایه ای چون درمان رایگان برای همه مردم، تحصیل رایگان برای همه کودکان و تامین مسکن بسیار مهم است. جمهوری اسلامی در پرتو کرونا دارد تعرضاتش را میکند. یک ابزار مناسب در هم شکستن این تعرضات و پیشروی کارگران و کل جامعه، اعتصابات سراسری است. ما بارها تاکید کرده ایم اعتصابات سراسری کارگری و اعتصاب عمومی هم راه حلی برای نجات جان انسانها از گرفتار شدن به بیماری مرگبار

کرونا است و هم ضربه ای بر پیکر حکومت و جلوتر بردن جنبش سرنگونی است. برای اینکه جلوی قربانی شدن بیشتر مردم را بگیریم باید به این سو خیز برداریم. برای این باید ستادهای مردمی خود را در تمام شهر ها و در همه جا شکل داد و شوراها ی مردمی را ایجاد کرد.

انترناسیونال: در مورد اینکه چرا مساله تعیین حداقل دستمزدها امسال به چنین هیاهویی کشیده شد صحبت کردیم. جدا از همه این مباحث از نظر شما حداقل دستمزد باید چقدر باشد و بر چه مبنایی باید حساب شود؟

حسن صالحی: به نظر من حداقل دستمزد باید آنقدر باشد که اگر از یک کارفرما پرسیدید که حاضر است با آن زندگی کند بگوید که از این بابت مشکلی ندارد. این سطح توقع کارگر از حداقل دستمزد است. من نمی دانم چرا هر وقتی ما از حداقل دستمزد حرف می زنیم همیشه باید از خط فقر حرف بزنیم؟! چرا نباید از خط رفاه حرف بزنیم؟ آخر کدام یکی از این حضرات که بطور یک جانبه در مورد دستمزد کارگران تصمیم می گیرند می توانند فقط چند روز با حداقل دستمزد موجود زندگی شان را بچرخانند؟ اگر یک روز اتومبیل حاج آقا و یا آقای مدیر خراب بود، فکر می کنند با تمام این دستمزد روزانه ای که خانواده کارگری باید با آن زندگی کند، می توانند پول تاکسی خانم و بچه ها را تامین کنند؟ آیا فلان حاج آقا که در فلان شهر دامداری دارد، با این دستمزد روزانه ای که بنا به تصمیم دولت به کارگرش می دهد می تواند خرج علوفه، جا و دامپزشک یک گاو و گوساله اش را بخوبی "تامین" کند و روزی هم چند من شیر بدوشد؟ نمی دانم چرا سطح زندگی لاکچری باید برای یک عده از ما بهتران باشد و برای کارگر که خالق

ثروت و همه امکانات جامعه است سفره بدون غذا و بدون گوشت و نان بخور و نمیر. کارگر انسان است. انسان است با همه نیازها و توقعاتی که انسان اجتماعی دارد: غذا، پوشاک، مسکن، بهداشت و فرهنگ، فراغت و تفریح و دسترسی به همه آن موهبات و لذا بد اجتماعی که جامعه در اختیار خود دارد و می تواند داشته باشد. سطح دستمزد باید به حدی باشد که بتواند به این نیازها پاسخ دهد. شاخص آن زندگی مرفهی که ما برای کارگر مد نظر داریم معلوم است. و بر اساس آن می شود سبد هزینه زندگی مرفه را تعیین کرد. کار سختی نیست اگر به نمایندگان واقعی کارگران سپرده شود. حقیقتاً من نمی دانم که دستمزدی که قرار است برای کارگر باشد چرا نماینده دولت و یا کارفرما و وزیر کار باید در موردش تصمیم بگیرند؟ مگر قرار است اینها با این دستمزدها زندگی کنند؟ طبیعتاً نه. پس چه کسی صالح تر از خود کارگران وجود دارد که بتواند در مورد دستمزد تصمیم بگیرند؟ اگر کارگران تصمیم گیرنده باشند- که باید باشند- تعیین میزان حداقل دستمزدی که منطبق با رفاه یک خانوار کارگری باشد چندان مشکل نیست. همین الان در میان کارگران از مبالغ بین ۹ تا ۱۱ میلیون تومان بعنوان حداقل دستمزد صحبت می شود. من فکر می کنم که اینها رقم مناسبی در شرایط کنونی است. در ضمن فراموش نکنیم که حداقل دستمزدها باید با تورم واقعی در جامعه نیز افزایش یابد تا تئیرات تورم و گرانی بر قدرت خرید را جبران کند.

انترناسیونال:

با تشکر از شما بخاطر پاسخ به سوالات.

برای برپائی و ساختن جامعه ای شاد و مرفه به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید.

دستمزدها و مزایا تاکید کرده اند و این بار با تجمع و اعتراضات گسترده تری تصمیم به دفاع از خواستههای خود دارند.

پرستاران

پرستاران تمديد طرح گيلان طی ارسال بيانه ای به رئيس دانشگاه علوم پزشکی این استان خواستار روشن شدن وضع استخدامی خود شدند. در بخشی از این بيانه آمده است: "همانطور که مطلعید در روزهای اخیر و متعاقب فراخوان دانشگاه مبنی بر جذب نیروی پرستاری به صورت شرکتی و پس از ثبت نام نیروهای پرستاری شامل تمامی گروهها از جمله پرستاران تمديد طرح، نیروهای منفک شده از مراکز خصوصی و درمانگاهها، شاهد آن بودیم که تعدادی از همکاران پرستاری باتوجه به مجوزها و محدودیت‌های جاری در اولویت جذب قرار گرفته و جذب مابقی شامل نیروهای تمديد طرح به اخذ مجوزهای جديد موقوف شد... پرستارانی که به احتمال قریب به یقین و باتوجه به مشکلات موجود پس از پایان دوره طرح انسانی وارد دوره‌های طولانی بیکاری خواهند شد."

در حالیکه یک معضل بیمارستانها و مراکز درمانی کمبود

بورس نیز به معنای نقشه چپاول بیشتر سهام معدن به طریق به حراج گذاشتن آنها با قیمت بسیار نازل است. آنها همچنین قصد دارند برای جبران بخشی از هزینه‌های معدن و عملی کردن فروش سهام شرکت در روزهای تعطیل عمومی عید و چندروز تعطیلی پیش از عید، کارگران را بیکار نمایند و به بیمه بیکاری معرفی کنند.

این سیاستها فضایی از اعتراض را در میان کارگران دامن زده است. کارگران تصمیم دارند متحدانه علیه این سیاستهای چپاولگرانه بایستند. کارگران معدن ذغال سنگ همچنین به سطح نازل دستمزدهای خود اعتراض دارند. خواستههای کارگران در مورد دستمزد عبارتند از افزایش سطح دستمزدها متناسب با نوع شغل و میزان سختی کار و اعمال افزایش های سالانه برای آنان، اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل برای ایجاد بهبودی در دریافتی های کارگران، اعمال ضریب شغلی بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور بر اساس قانون استخدامی فولاد در دهه ۶۰ و ۷۰ با در نظر گرفتن ۱۵ سال سابقه کار در معدن ذغال سنگ و اجرای قانون ویژه اضافه کاری ها در قبال این کارگران. کارگران بارها بر خواستههای خود در مورد افزایش

بیماری کرونا

اطلاعیه شماره ۴۳

اعتراضات سه هزار کارگر ذغال سنگ، پرستاران، رانندگان هفت تپه

اعتراضات کارگران معدن ذغال سنگ

روز دوشنبه اول اردیبهشت ماه حدود ۳ هزار کارگر شرکت ذغال سنگ کرمان، در اعتراض به تصمیم دولت برای واگذاری سهام این مجموعه به بخش خصوصی و در پی خبر بیکارسازیهای بیشتر به بهانه کرونا، دست از کار کشیدند. در رابطه با این موضوع در این روز کارگران در شهرستان راور کرمان مقابل دفتر امام جمعه تجمع کردند و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. کارگران اعلام کرده اند که اعتراض خود را به مقابل فرمانداری شهرستان راور خواهند کشید. در اعتراض به این مساله کارگران ذغال سنگ در سایر شهرستانهای کرمان نیز مقابل دفاتر انجمنه جمعه کوهبنان و زرنج تجمع کردند. به گفته کارگران مدیران شرکت قصد دارند ۴۵ درصد از سهام این معدن را در بورس عرضه کنند. عرصه کردن در

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران:

اعتراضات سه هزار کارگر ذغال سنگ، پرستاران، رانندگان هفت تپه

یکم اردیبهشت ۱۳۹۹



@SJKTAMAS

کار دارند. رانندگان استیجاری غالباً وانتبار هستند و روزانه ۸ تا ۱۲ ساعت در شرایط سخت در مزارع مشغول کار هستند. این درحالیست که راننده‌های این خودروها با نپرداختن دستمزدها مواجه هستند و آنچه کارفرما پرداخت می‌کند فقط اجاره بهای خودروهاست که آنهم با تاخیر و به صورت حداقلی پرداخت می‌شود. به گفته این رانندگان آنها حتی پول بنزین مورد نیاز برای روشن کردن ماشین‌های خود را ندارند و با مشکلات بسیاری مواجه هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱ اردیبهشت فروردین ۱۳۹۹
۲۰ آوریل ۲۰۲۰

پرستار است و این موضوع در دل بحران کرونا باعث فشار کار بیشتر بر روی پرستاران و پایین آوردن بیشتر استاندارد درمان در سطح جامعه است، اخباری از بیکارسازی پرستاران منتشر شده است. باید از اعتراضات پرستاران وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

نیشکر هفت تپه

صبح روز اول اردیبهشت بیش از هشتاد نفر از رانندگان ماشین‌های استیجاری شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه که مسئولیت جابجایی کارگران و بخشی از مدیران را در بین مزارع کشاورزی برعهده دارند، به دلیل عدم دریافت ۵ ماه دستمزد، دست به اعتراض زدند. این کارگران به صورت مستقیم با کارفرما قرارداد

همه احکام اعدام باید فوراً لغوی شوند.

کمیته بین المللی
علیه اعدام
۴ اردیبهشت ۱۳۹۹
۲۳ آوریل ۲۰۲۰

مردم می خواهد که با مبارزه و اعتراض خود ماشین اعدام کنند. ما مخالف اعدام و همه قوانین قرون وسطایی جمهوری اسلامی هستیم. اعدام قتل عمد دولتی است و

زندانی "حسین حیدری" شهروند اهل سقز و "سعید محمدپور" شهروند اهل کرمانشاه با اخذ مهلت از اولیای دم برای پرداخت "دیه" از سلول های انفرادی به زندان بازگردانده شدند. این دو زندانی تا پایان ماه رمضان فرصت دارند که مطالب درخواستی را پرداخت کنند. این در حالیست که حکم اعدام یک زندانی دیگر بنام "لقمان احمدپور" شهروندان اهل بانه متاسفانه به مورد اجرا گذاشته شد. وی ۳۰ ساله، متاهل و پدر دو فرزند بوده و از ۳ سال پیش به اتهام قتل یک شهروند اهل بانه بازداشت و به اعدام محکوم شده بود.

کمیته بین المللی علیه اعدام با اعدام تحت هر عنوان و یا بهانه ای مخالف است و از علیرغم تلاشهای مردم و فعالین اجتماعی به چوبه دار آویخته شد. سینا محمدی در سن ۱۹ سالگی متهم به قتل شد و بمدت ۷ سال در زندان مرکزی شهر سنندج زندانی بود. طی یکی دو روز گذشته فعالین اجتماعی سعی در جلب رضایت اولیای دم داشتند. بامداد امروز گروههایی از مردم با تجمع در مقابل درب زندان مرکزی سنندج سعی کردند مانع اعدام وی شوند ولی متاسفانه موفق نشدند و سینا محمدی اعدام شد. دو تن از محکومین به اعدام از مرگ نجات یافتند و یک نفر اعدام شد!

صبح روز سوم اردیبهشت، قرار بود سه زندانی محکوم به اعدام در شهرهای سقز و سنندج اعدام شوند. از این دو

سنندج: اعدام یک زندانی و نجات یکی دیگر از اعدام

عدنان میرکی، اهل دهگلان که قرار بود امروز (پنجشنبه چهارم اردیبهشت) حکم اعدامش در زندان سنندج اجرا شود، با بخشش اولیای دم از اعدام رهایی یافت. در چند روز گذشته تلاشهایی زیادی برای نجات جان عدنان میرکی جریان داشت. کمیته بین المللی علیه اعدام از طریق مسئول این کمیته یعنی هرمز رها و در تماس مستقیم با مخالفین اعدام کوشش کرد که از اعدام این جوان جلوگیری کند. سرانجام اولیای دم با گذشت انسانی خود حاضر نشدند که شریک جنایت جمهوری اسلامی شوند و بدین ترتیب عدنان از مرگ رهایی یافت.

در همانحال متاسفانه سینا محمدی ۲۶ ساله

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی
ادیتور: کاظم نیکخواه
مسئول فنی: مراد شیخی

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه منتشر میشود

www.anternasional.com



گذشته هیچگونه بهبودی در سطح دستمزدها آنها ایجاد نشده است. این کارگران در نامه خود خواستار پرداخت حق بدی آب و هوای کارگران قرارداد موقت صنعت نفت در استان های خوزستان، بوشهر، کهگیلویه و بویر احمد، هرمزگان و ... شده اند.

روز دوشنبه اول اردیبهشت، کارگران راه آهن اسلامشهر تهران در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب زدند و بر سرکار حاضر نشدند. فراخوان این اعتصاب از روز سی ام فروردین داده شده بود.

حزب کمونیست
کارگری ایران
۳ اردیبهشت ۱۳۹۹
۲۲ آپریل ۲۰۲۰

اطلاع رسانی کردند. از آبانماه تا کنون حق بیمه و دستمزد این کارگران پرداخت نشده است و در شرایط کرونا وضعیت معیشتی آنها با مشکلات بیشتری روبرو شده است.

حزب کمونیست
کارگری ایران
۳۱ فروردین ۱۳۹۹
۱۹ آپریل ۲۰۲۰

اجتماع کردند. در این حرکت اعتراضی یکی از غرفه داران حاضر در تجمع به خبرنگار رسانه ای گفت: پارسال به سبب وقوع سیل و امسال به دلیل شیوع کرونا، فروش نوروزی نداشته و از این بابت بسیار متضرر شدیم و درآمدی نداشته ایم. غرفه داران افرادی هستند که با اندوخته ای بسیار ناچیز زندگی میکنند و امروز با تعطیلی کار جزو کارگران بیکار هستند. بیمه بیکاری مکفی حق مسلم آنان است.

روز ۱ اردیبهشت تعدادی از کارگران قرارداد موقت صنعت نفت در جنوب کشور به نمایندگی از کلیه کارگران قراردادی در مناطق بد آب و هوای کشور با انتشار نامه ای خواستار پرداخت حق بدی آب و هوا شدند. اعتراض این کارگران به سطح نازل حقوقهاست. به گفته کارگران طی دو سال

جمعه این شورا اجتماع کردند و دست به اعتراض زدند. دولت موظف است زندگی همه مردم را تامین کند و شهروندان فاقد درآمد و یا کم درآمد بلااستثنا باید از یک مقرر ماهانه ثابت و مکفی بعنوان درآمد پایه برخوردار شوند.

روز شنبه ۳۰ فروردین کارگران شهرداری لوشان در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق وحق بیمه و وعده های توخالی طی نامه ای به رسانه ها

روز سه شنبه ۲ اردیبهشت، جمعی از رانندگان با سابقه اتوبوس های شهری یاسوج (زیرمجموعه شهرداری) در اعتراض به عدم پرداخت ماه ها حقوق و حق بیمه مقابل شهرداری یاسوج و استناداری کهگیلویه و بویر احمد دست به اعتراض و تجمع زدند.

روز ۲ اردیبهشت تعدادی از جوانان بیکار اهواز - شوشتر با خواست اشتغال به کار در مقابل شرکت صنایع جانبی نیشکر خمینی تجمع کردند. این تجمع با دخالت نیروی انتظامی به درگیری کشیده شد.

روز ۱ اردیبهشت اعتصاب نیروی قرائت اداره برق بهبهان به دلیل حجمی شدن استخدامها و سطح نازل دستمزد خود وارد دومین روز خود شد. بنا بر خبر بعد از اعلام اعتراض این کارگران به اداره ی کار به آنها گفته شده است که قرارداد را امضا نکنید و اگر امضا کردید دیگر کاری از دست ما ساخته نیست. از سوی دیگر بعد از عدم پذیرفتن قرارداد از سوی کارگران، به آنها گفته شده است که این دستور از استان آمده است و هر کس امضا نکرد اخراج می شود! بدین ترتیب کارگران این شرکت پاسکاری شده و در معرض بیکار شدن قرار دارند.

روز سه شنبه ۲ اردیبهشت، جمعی از غرفه داران بازارچه ساحلی بندرترکمن برای اعتراض به بلاتکلیفی معیشتی مقابل فرمانداری شهرستان ترکمان در استان گلستان

در بسیاری جاها قرار دادهای کارگران را معلق گذاشته و یا لغو کرده اند.

روز شنبه ۳۰ فروردین کسبه و دستفروشان مجتمع های تجاری و پاساژهای شهرستان قروه در استان کردستان پس از بارها تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان در اعتراض به بی تامینی و نبود درآمد و معیشت در پی بیش از یک ماه تعطیلی کار وعدم حمایت دولت، مقابل دفتر امام

وجه برای کارگران قابل قبول نیست و زندگی کارگران باید تامین شود.

روز سه شنبه ۲ اردیبهشت ماه، جمعی از کارگران فاز ۲ پالایشگاه آبادان (شرکت آریا دژ البرز) برای اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی در دوره کرونا، در مقابل این پالایشگاه تجمع کردند.

روز ۲ اردیبهشت جمعی از مربیان مهد کودک و پیش دبستانی در اعتراض به به ادامه بلاتکلیفی معیشتی شان بدلیل عدم پرداخت مقرری بیمه بیکاری و بخاطر نداشتن امنیت شغلی دست به تجمع زدند. بدنال شیوع کرونا چند هزار مربی کودک در سراسر کشور که بسیاری از آنها زنان سرپرست خانواده هستند، کار خود را از دست داده و بدلیل قراردادهای موقت کاری هیچ مزدی دریافت نمیکنند. دریافت حقوق حق مربیان مهد کودک است که در آمدی ندارند و باید معیشت آنها بدون قید و شرط تامین شود.

روز دوم اردیبهشت کارگران پروژه پتروشیمی هگمتانه همدان (شرکت پیمانکاری دیپیم صنعت آزان) با انتشار نامه ای سرگشاده اعتراضشان را نسبت به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق اعلام کردند. این شرکت از نیمه اسفند تعطیل شده و کارگران بدون هیچ تامینی از کار بیکار شده اند. به گفته کارگران به خاطر نوع قراردادهایشان حتی عیدی و سنوات پایان سال نیز شامل آنها نمیشود.

روز ۳۰ فروردین کارگران شهرداری در مسجد سلیمان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه خود مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند.

روز شنبه ۳۰ فروردین ماه، جمعی از کارگران کارخانه ایران مرینوس قم در اعتراض به تاخیر در انعقاد قرارداد این واحد تولیدی با کارگران، در مقابل ساختمان این کارخانه دست به تجمع زدند. در شرایط بحران کرونا کارفرمایان مفتخور

بیماری کرونا اطلاعی شماره ۴۴ اخباری از اعتراضات کارگری در دل بحران کرونا

روز ۲ اردیبهشت کارگران رستوران های مجتمع مسکونی پارس در اعتراض به به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق مقابل فرمانداری شهرستان جم در استان بوشهر تجمع کردند. بیماری کرونا موجب بسته شدن بسیاری از رستورانها و بیکاری کارگران شده است. در رستورانهای این مجتمع ۹۰ کارگر به کار اشتغال دارند که از اول اسفند ۹۸ بدلیل شیوع بیماری کرونا از کار بیکار شده اند. به گفته کارگران علیرغم اینکه آنها کارشان را از دست داده اند ولی هیچکدام از شرکتهای این مجتمع از جمله شرکت پالایش گاز فجر جم، مجتمع مسکونی پارس، شرکت ساحل جام جم و اداره کار برای زیر پوشش قرار دادن کارگران با همان حداقل ناچیزی که به آن بیمه بیکاری گفته میشود، اقدامی نکرده اند. بر اساس گزارشات این کارگران با قرارداد های حجمی تامین نیرو مشغول به کار هستند و به ادعای پیمانکار چون در زمان تعطیلی رستوران، از سوی کارفرمای اصلی پرداختی به وی صورت نمی گیرد امکان پرداخت حقوق کارگران را ندارد. این بهانه بهیچ

بیماری کرونا اطلاعی شماره ۴۲ چند خبر اعتراضی کارگری در دل بحران کرونا

روز ۳۰ فروردین کارگران فصلی و نشاء کار در اعتراض به نبود کار و درآمد در شرایط کنونی، در مرزنگوی دابو دشت در آمل دست به تجمع زدند.